

لزوم بازنگری در «سبک زندگی رمضان»

نگاهی تاریخی- آئینی به سبک زندگی ایرانیان در ماه مبارک رمضان

جدی شود.

سعید نفیسی، ادیب و پژوهشگر معاصر، در خاطراتش از آئین‌های رمضان در ایران روزگاران گذشته می‌گوید:

«بیشتر مردم تمام شب را بیدار بودند و به همین جهت دیدوبازدید در شب‌های رمضان و مهمانی بسیار معمول بود و تا نزدیک سحری خوردن، می‌نشستند…»[۴]

علاوه بر روایت‌های بومی امثال نفیسی، این موضوع انعکاسی جدی در سفرنامه‌ها و خاطرات خارجیانی داشته که به دلایل مختلف در ایران حضور پیدا می‌کرده و از نزدیک شاهد زندگی مردم بوده‌اند؛بعنوان نمونه چارلز ادوارد بیت، سرکنسول بریتانیا در مشهد در اواخر دوران ناصرالدین‌شاه، این تجربه در سبک زندگی مردم در ماه رمضان را این‌گونه خلاصه می‌کند:

«کسی که در ایران زندگی نکرده، نمی‌تواند بفهمد که با شروع ماه رمضان چگونه همه‌چیز زبرورو می‌شود، روزها تبدیل به شب شده و شب‌ها روز می‌شود.»[۵]

یاکوب ادوارد پولاک، پزشک اتریشی دربار ناصرالدین‌شاه در سفرنامه خود با عنوان «ایران و ایرانیان»، دگرگونی‌های زندگی روزمره ایرانیان در ماه رمضان را این‌گونه شرح می‌دهد:

«خواب‌بیداری را ایرانی به فرمان خود درآورده‌است... در رمضان یک ماه تمام نحوه زندگی خود را تغییر می‌دهد. در این ماه روزها می‌خوابد درحالی‌که شب‌ها غذا می‌خورد و به کارهای می‌رسد. پس از انقضای این ماه، باز به برنامه عادی روزانه خود بازمی‌گردد، بی‌آنکه اختلال چشم‌گیری در سلامتش حاصل شود.»[۶]

جالب اینجاست که ایرانیان برای آنکه بتوانند این مراسم شبانه را در حیات اجتماعی و آئینی خود در ماه رمضان نهادینه کنند، سعی می‌کردند کار روزانه را نیز متناسب با حیات شبانه تنظیم کرده و بلکه تقلیلش دهند. عبدالله مستوفی می‌نویسد:

«دیگر از اوقاتی که ما خیلی مترصد رسیدن آن بودیم، ماه رمضان بود؛ زسرا در این ماه، در وضع زندگی عمومی و خصوصی تغییراتی حاصل می‌گشت و مقصود اصلی ما که تخفیف از ساعات مکتب باشد، احتیاً، بیشتر از ماه محرم و صفر بود.... در این ماه کارها تقریباً تعطیل می‌شد و مردم به عبادت مشغول بودند. اگر کسی طلبی از کسی داشت تا احتیاج مبرم محرز او نمی‌شد، سروقت بدهکار خود نمی‌رفت.... مرافعات شرعی در محاضر علماء متوقف می‌گشت. ادارات دولتی باز بود ولی کسی رجوعی نمی‌کرد. اگر کسی از دولت طلبی داشت در این ماه به مطالبه نمی‌رفت و محصلین دولتی هم دنبال مطالبه بدهکاری افراد نمی‌رفتند، حتی در خانه‌ها هم جز کارهای ناگزیر زندگی کار دیگری از نوکر - و خدمتکار توقع نمی‌کردند. به همین جهت کارهای سنگین خانه را یا قبل از ماه انجام داده بودند یا به بعد از این ماه محلول می‌کردند. اگر بنائی نیمه‌تمام بود، صاحب‌کار به عمله و پٹاها مُزد تمام می‌داد اما بیشتر از نصف روز تقاضای کار نمی‌کرد و در دهات هم کارهای سنگین زراعتی را حتی‌المقدور تعطیل می‌کردند و اگر مثلاً در خرمن‌کوبی و از این کارها که تعطیل آن خسارت جبران‌ناپذیر داشت، پیش می‌آمد، با رعایت بیشتر از کارگرا، انجام می‌دادند. خلاصه اینکه ماه عبادت بود و در همه‌چیز، مردم از همدیگر رعایت می‌کردند.»[۷]

تاریخ گواه است که ایرانیان مسلمان، در گذشته نه‌چندان دور برای آنکه بتوانند احیای شبانه را در حیات اجتماعی و آئینی خود در ماه رمضان نهادینه کنند، سعی می‌کردند کار روزانه را نیز متناسب با حیات شبانه تنظیم کرده و بلکه تقلیلش دهند.

اشاره به چنین نقل‌هایی از زندگی گذشته مردم ایران، فاصله جدی اکنون را با سبک زندگی تراز رمضان نشان می‌دهد. حتی اگر گفته شود سبک زندگی قدما ما در سده اخیر، در حد تراز تمدن اسلامی نبوده، اما لااقل نسبتِ احیای شبانه با اشتغال روزانه در میان آن‌ها، معقول‌تر از امروز بوده‌است؛ امری که مع‌الأسف بیشتر هم در کشور ما دیده می‌شود تا کشورهای اسلامی دیگر.

در بسیاری از کشورهای اسلامی و در ماه رمضان، این تفاوت در زندگی روزانه و شبانه، مشهود است و طبعاً زندگی روزانه نیز متناسب با دگرگونی‌های شبانه تغییر می‌کند. مثلاً شب‌های رمضان در مراکش، عمل‌به‌روز تبدیل می‌شود، زیرا مسلمانان پس از ادای نماز عشا و تراویح، به برپایی نشست‌ها و دیدوبازدیدها، شب‌زنده‌اری‌ها و جشن‌هایی می‌پردازند که تا سحر ادامه دارد. [۸] یا مثلاً در کشور لبنان در لحظه افطار، خیابان‌های شهر حتی در مناطق مسیحی‌نشین نیز تقریباً خالی می‌شود اما ساعاتی پس از افطار، رقت‌وامدها شروع‌شده و تا سحر ادامه می‌یابد. مردم لبنان شب را در کافه‌ها، رستوران‌ها و مکان‌های تفریحی مانند سواحل و پارک‌ها می‌گذرانند و کمتر تا سحر می‌خوانند و به‌جای آن پس از سحر تا حدود ۱۰ صبح که ساعت کار رسمی ادارات و بازار است به استراحت می‌پردازند. [۹]

هدف از بیان این مثال‌ها این است که توجه مردم و به‌خصوص مسؤولان امر، به این نکته مهم جلب شود که کشور اسلامی ایران، امروز نه‌تنها با گذشته نه‌چندان دور خودش بلکه حتی با بسیاری از کشورهای اسلامی کنونی نیز در امر تعظیم شعائر رمضان، تفاوتی قاضش دارد و این تفاوت جدی می‌طلبد تا مسؤولان ذی‌ربط، سیاست‌های لازم را متناسب با تحقق چنین سبکی از زندگی اتخاذ کنند، زیرا مقوله «سبک زندگی»، به فرمایش رهبر معظم انقلاب، بخش نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی را شکل داده [۱۰] و اهمیت این موضوع، زمانی درک خواهد شد که با «نگاه تمدنی» به مقوله سبک زندگی گریسته شود.

بی‌نوش

[۱] به‌عنوان نمونه ر. ک. به: ذاریات/ ۱۸؛

آل‌عمران/ ۱۷، مزمل/ ۲.

[۲] مَا مِنْ شَهِرٍ زَمَّانٌ وَ زَمَّانٌ وَ قَامَةً إِيْمَانًا وَ إِبْتِحْشَابًا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ. (میزرا حسین نوری، مستدرک الوسائل، بیروت: موسسه آل البیت لإحياء التراث، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۹۷)

[۳] علیکم بقیام اللیل فانه دأب الصالحین قبلکم. (محمّدبن عیسیٰ ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۱۲؛ نسخه کتابخانه دیجیتال نور)

[۴] مهدی یساولی، «روایتی اجتماعی از کشش‌های تاریخی ایرانیان در ماه رمضان»، روزنامه شهروند، شماره ۱۱۳۸، مورخ ۹ خرداد ۱۳۹۶؛ به نقل از خاطرات سعید نفیسی.

[۵] پیشین؛ به روایت چارلز ادوارد بیت در کتاب «سفرنامه خراسان و سیستان»

[۶] یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان، ترجمه کیکابوس جهاندار، تهران: نشر خوارزمی، بی‌تا ص ۱۲۰.

[۷] عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، تهران: نشر زوار، ۱۳۸۴، چاپ پنجم، ج ۱، ص ۳۳۱.

[۸] «آداب‌ورسوم مردم افریقا در ماه مبارک رمضان»، پایگاه خبری جامعه‌المصطفی العالمیه، شماره ۱۱۳۸، منتشرشده در تاریخ ۲۲ تیر ۱۳۹۲.

[۹] «آداب مسلمانان کشورهای مختلف در ماه رمضان»، پایگاه بیوتوه.

[۱۰] بیانگش معظم له در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۱۳۹۱.

ترویج مصرف‌گرایی از سیاست‌های آمریکا در مقابله با فرهنگ قناعت

کاملی برای محدود کردن مصرف‌گرایی بی‌حدوصر تصویب نشده و این قوانین اگر هم وجود داشته باشند فقط در حد ایالتی باقی مانده است.

مصرف‌گرایی فقط مختص به پوشاک، ماشین و وسایل الکترونیکی نیست، بلکه در مصرف بی‌حدوصر مواد غذایی مانند گوشت قرمز (در کشورهای غربی مصرف گوشت قرمز بسیار زیاد است در مقابل آن‌ها کشورهای فقیر آفریقای دیده می‌شوند که حتی یک وعده گوشت در هفته به هر فرد نمی‌رسد) و کاغذ و غیره خود را نشان می‌دهد. برای مثال میزان مصرف گوشت قرمز در آمریکا به‌طور نسبی از ۱۹۰۰ میلادی تا به امروز بالغ بر ۱۰ برابر بیشتر شده‌است و یا هرساله ده‌ها میلیون هکتار جنگل‌های استوایی به‌خصوص در برزیل برای تبدیل به کاغذ و چوب و یا تبدیل به مزارع بیشکرن نابود می‌شود تا شکر حاصله به آمریکا صادر شود و نوشابه‌ها و دیگر مواد غذایی با استفاده از تبلیغات رسانه‌ها به‌عنوان کالای مصرفی استفاده شود.

شاید ابتدا این‌گونه به نظر برسد که مصرف گوشت قرمز خوب است و ایرادی ندارد اما باید توجه داشت مصرف بیش‌ازحد آن جدا از مضرات بیولوژیکی مانند گسترش انواع سرطان، در موارد زیست‌محیطی و انسانی مانند دام‌پروری صنعتی و تولید گازهای گلخانه‌ای نیز اثرات سوء بسیاری دارد.

مصرف‌گرایی، هم از محیط برداشت بی‌رویه‌ای دارد و هم آلودگی‌های حاصل از تولید خود را دوباره به محیط می‌گرداند. آلودگی‌های که زیست‌بوم بشر را با چالش جدی مواجه می‌کند. با رشد سمن‌های بین‌المللی که درباره مصرف‌گرایی کنفرانس‌هایی برگزار کردند آگاهی عمومی نسبت به این مسئله بیشتر شده و مضرات مصرف‌گرایی را برای عموم مردم تا حدی جا افتاده‌است به‌طوری‌که فشار افکار عمومی باعث شده بسیاری از پارلمان‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی به تصویب لایحی مانند اقدام‌های سخت‌گیرانه‌تر برای واردات صنایع آلوده‌کننده، دریافت مالیات‌های سنگین از شرکت‌های آمریکایی مانند مک‌دونالد، استارباکس و اپل و تصویب قوانین سخت‌گیرانه برای شرکت‌های آمریکایی برای استحصال منابع و معادن کشورهای خود روی‌آورد،

سپهرغرب، گروه ورزشی: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از دو سسال پیش نسبت به اجرای سند ۲۰۳۰ یونسکو به مسؤولان آموزش‌وپرورش هشدار و آن‌ها را به اجرای سندهای بالادستی ملی از جمله سند تحول در آموزش‌وپرورش ارجاع دادند.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.R در یادداشتی به قلم آقای حامد ملکزاده، کارشناس برنامه‌ریزی و توسعه و پژوهشگر اسناد و حقوق بین‌المللی ضمن بررسی مبانی و ابعاد سند ۲۰۳۰، اشکالات اجرای آن در حوزه آموزش‌وپرورش را تحلیل کرده‌است.

❖ استعمار فرانو و کنترل ذهن ملت‌ها

از میانه قرن بیستم و پس از جنگ‌های جهانی، جریان استعمار وارد دوران جدیدی از حیات خود شد. اگر آغاز روند استعمار فرانو را از شکل‌گیری سازمان ملل متحد و تشکیل نهادهای بین‌المللی بدانیم، آنگاه این نکته واضح خواهد شد که اصل «حضور فیزیکی حاکمیت استعمار» اهمیت این تغییر الگو آنگاه آشکارتر خواهد شد که در سرزمین‌های مستعمره جای خود را به اصل «حضور فکری و ذهنی جریان استعمار» در این سرزمین‌ها داد. هدف این تغییر الگو آنگاه آشکارتر خواهد شد که در صورت پذیرش اصول پایایی استعمارگران توسط جامعه تحت سلطه، دو اتفاق مهم محقق خواهد شد؛ نخست، کاهش زمان و هزینه‌های ناشی از تصرف سرزمین‌های دارای مزیت؛ که این خود به‌عنوان یک پیروزی و پیشرفت مهم و منحصربه‌فرد برای کشورهای استعمارگر محسوب می‌شود و دوم، دوام بیشتر جریان استعمار در سرزمین‌های مستعمره و درنتیجه استفاده بیشتر از مزیت‌های آن جامعه. این دو اصل آن چنان در دوره سوم استعمار، رخ نمایاند که از این دوره به استعمار فروا یاد می‌شود.

اما نکته مهم آن است که چگونه می‌توان اصل تصرف ذهن و فکر جوامع را محقق کرد تا از این رهگذر به یک استعمار پایدار و کم‌هزینه دست‌یافت؟

به‌احتمال باید بیان کرده که اگر مؤلفه‌های اصلی اداره یک کشور و جریان تأمین نیازهای اجتماعی آن، شناخته‌شده و برای آن الگویی طراحی شود، آنگاه می‌توان با جهت دادن با آن مؤلفه‌ها، ذهن و فکر ملت‌ها را تحت کنترل درآورد و از همین رهگذر، حکومت‌ها را نیز کنترل کرد. کوتاه‌سخن آنکه، جوامع همواره با نیازهایی روبه‌رو بوده و حکومت‌ها نیز همواره در تلاش برای رفع این نیازها هستند.

جریان رفع نیازهای اجتماعی نیازمند یک الگو و مدل است؛ هر جریانی بتواند برای اداره جامعه، الگویی را ارائه کند و آن را به پذیرش (اعم از نخبگان و افکار عمومی) برساند، می‌تواند گوهر درونی آن جامعه که عبارت است از «جهت ذهنی زیستن» از آن خود کند. آنگاه با یک جامعه حلقه‌به‌گوش می‌توان «هر کاری» کرد. ذات درونی استعمار فرانو چیزی جز این نیست.

از دل این پاسخ، سؤال دیگری متولد می‌شود؛ چه الگویی از سوی استعمار فرانو برای سلطه بر ملت‌ها تدارک دیده شده‌است؟

واکاوی ریشه‌ها، مبانی و اهداف سند آموزش ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰: دروازه ورود استعمار فرانو

غیره که برای هر یک از آن‌ها یک سند فرعی تدوین شده‌است؛ اسنادی که در صورت ورود و پذیرش آن در فرهنگ عمومی جامعه، باید شاهد نهادینه شدن مؤلفه‌های سبک زندگی غربی در کشور باشیم.

❖ سند ۲۰۲۰، آموزش مقدمه تغییر سبک زندگی

اما پرسش اساسی و نهایی این نوشتار آن است که آیا سند توسعه پایدار صرفاً با پذیرش و امضا در سازمان ملل قابلیت جاری‌سازی در کشورها را دارد؟ پاسخ، منفی است؛ به همین علت سند توسعه پایدار، راه ورود به جوامع را تحقق هدف چهار از اهداف ۱۷ گانه خود می‌داند.

هدف چهار از اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار مربوط به آموزش است. این هدف نیز مانند سایر اهداف ۱۷ گانه، خود دارای یک سند مجزا به نام «سند آموزش ۲۰۳۰» است. در بخشی از متن سند بیان شده‌است که درک

تعاریف این سند، جامعه‌میزبان را به این نتیجه می‌رساند که بیش از نیاز به مهارت برای حرکت به سمت پدیده توسعه‌یافتگی، نیاز به ایجاد و تقویت روحیه‌ای است که خواستن توسعه را در لایه‌های زیرین جامعه‌میزبان متولد می‌کند. به‌عبارت‌دیگر فرهنگ جامعه‌میزبان باید توسعه‌یافتگی را بی‌زبرد تا راه تحقق آن باز شود. تا زمانی که این فرهنگ موردپذیرش قرار نگیرد، رفتن به سمت توسعه پایدار همواره با چالش و موانع متعددی روبه‌رو خواهد بود.

اگر بتوان آموزش‌های ذیل مفاهیم توسعه پایدار را به یک جامعه منتقل و با افراد جامعه در مورد الزامات توسعه‌یافتگی (غربی شدن جامعه) تفاهم کرد، آنگاه می‌توان امیدوار بود که در همه ابعاد توسعه‌یافتگی، سرعت حرکت به سمت توسعه پایدار بیشتر شود؛ بنابراین پایایی‌ترین موضوع در فضای توسعه‌یافتگی این است که چگونه آموزش‌های توسعه و الگوهای مدرن را در جامعه نهادینه کنیم. تحلیل فوق جایگاه حقیقی و بی‌بدیل سند آموزش ۲۰۳۰ را نشان می‌دهد.

اما سؤال اینجاست که اگر مفهوم آموزش، محوری‌ترین و پایایی‌ترین هدف در بسترسازی، تربیت و انعطاف جامعه‌میزبان به سمت پذیرش توسعه‌یافتگی و تحقق اهداف آن است، چرا هدف چهارم توسعه پایدار جهانی قلمداد می‌شود و به‌عنوان هدف اول بیان نشده‌است؟ علت این امر آن است که آموزش، هدف نهایی توسعه پایدار نیست. آموزش بهترین معبر برای رسیدن به «هدف نهایی» یعنی غلبه نوعی از سبک زندگی و حکمرانی است که بر مبنای آن باید پذیرفت و تحقّق اهداف آن است، چرا هدف چهارم توسعه پایدار جهانی قرار داریم و باید در این مدار به وظیفه‌ای که بر عهده ما گذاشته شده عمل کنیم و به چیز دیگری فکر نکنیم».

ازاین‌رو سند آموزش ۲۰۳۰ را باید دروازه ورود استعمار فرانو به شاخص‌های هویت انقلاب اسلامی دانست. تأکید رهبر انقلاب اسلامی بر ممانعت از ورود این سند به کشور و برخورد قاطع با اجرای آن در هر سطح و گستره‌ای نیز به همین علت است.

نمایی نو

